

شاخصه ایمان در سیره اهل بیت (ع)

علیرضا وکیلی در تلاطم افکار مختلف و نظرات متنوع در دنیای امروز، انسان همواره به دنبال یک «پناهگاه مطمئن» می‌گردد تا گم نشود. ایمان واقعی، تنها یک باور قلبی نیست، بلکه خود را در پیروی از رهبران الهی و اطاعت کردن از آنان در مسیر زندگی نشان می‌دهد.

خداوند در سوره نسا، آیه ۵۹ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا... وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و اولیای امر را. و اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به خدا و رسول بازگردانید، اگر به خدا و رسول آخرت ایمان دارید، این برای شما بهتر و نیکوترین نتیجه است.»

پیام کلیدی این آیه، بیان اهمیت «اطاعت محوری» و جایگاه ویژه «اولیای امر» در نظام ارزشی اسلام است. خداوند اطاعت پیامبر (ص) و اولیای امر را در کنار اطاعت خود قرار داده است تا نشان دهد که راه سعادت، در گرو پیروی از این زنجیره نورانی است.

در ماه شعبان که ماه تجدید میثاق با ولایت و آمادگی برای ظهور است، ما باید بیش از پیش خود را به سیره ائمه (ع) به ویژه امام رضا (ع) ملتزم بدانیم. نکته کاربردی این است که در زندگی روزمره، وقتی با مسائل دینی یا اجتماعی پیچیده روبه‌رو و دچار تردید می‌شویم، مرجع اصلی ما باید کتاب خدا و سخنان معصومین (ع) باشد. نه نظرات زودگذر افراد و همان‌طور که اگر در مسیری پرپیچ و خم گم شویم، تنها راه نجات، برگشتن به نقشه دقیق و راهنمای معتمد است. در زندگی نیز رجوع به ولی امر، ما را از گمراهی نجات می‌دهد.

پیامبر اکرم (ص) در تبیین جایگاه اولیای امر می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يُعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتًا جَاهِلِيَّةً» هر که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. این روایت نشان می‌دهد که شناخت و اطاعت از ولی امر، شرط قبول شدن اعمال است.

بنابراین، برای آنکه ایمانمان کامل شود و در روز قیامت سر بلند باشیم، باید شاخصه ولایت‌مداری را در زندگی خود نهادینه کرده، در تمام امور، تبعیت خویش را از اولیای امر الهی اظهار کنیم.

مشاوره

مدیریت تفاوت‌های آیینی در مراسم خانوادگی

زندگی در خانواده‌های گسترده‌ای که از تنوع مذهبی یا فرهنگی برخوردارند، می‌تواند هم چالش برانگیز باشد و هم غنی‌کننده. مراسمی مانند عروسی‌ها، عزا داری‌ها، جشن‌های ملی یا مذهبی و حتی میهمانی‌های ساده، اغلب به میدانی برای بروز این تفاوت‌ها تبدیل می‌شوند. این موقعیت‌ها، اگر با درک و تدبیر مدیریت نشوند، می‌توانند به تنش، رنجش و حتی شکاف عاطفی بین عزیزان منجر شوند. اما خبر امیدوارکننده این است که با نگاهی مبتنی بر احترام، ارتباط مؤثر و خلاقیت، می‌توان این گردهمایی‌ها را به فرصتی برای تقویت همدلی و وحدت تبدیل کرد.

سؤال: اختلافات آیینی و تفاوت‌های مذهبی فرهنگی فامیل در مراسم و میهمانی‌ها را چگونه مدیریت کنیم؟

راهکارهای عملی برای مدیریت سازنده:

پیش‌دستی یا گفت‌وگو: احترام‌آمیز: پیش از برگزاری مراسم، در فضایی آرام و در زمانی غیرضروری، در مورد انتظارات و حساسیت‌های طرفین صحبت کنید. هدف نه پیروزی، بلکه فهمیدن است. پرسید، کدام بخش از این مراسم برای تو بسیار مهم است؟ یا چه چیزهایی ممکن است برایت ناراحت‌کننده باشد؟

جست‌وجوی نقاط مشترک: تمرکز را از روی تفاوت‌ها بردارید و بر ارزش‌های مشترک خانوادگی مانند عشق، حمایت، شادی یا احترام به درگذشتگان، متمرکز شوید. این ارزش‌ها می‌توانند پلتفرم مشترکی برای طراحی مراسم ایجاد کنند.

خلاقیت در طراحی آیین‌ها: به جای حذف یا تحمیل، به دنبال ادغام خلاقانه باشید. می‌توان بخش‌هایی از آیین‌های مختلف را در کنار هم قرار داد، مثلاً در یک عروسی، می‌توان از موسیقی، غذاها یا خواندن متنی معنوی از هر دو فرهنگ استفاده کرد. مهم این است که همه احساس کنند بخشی از آن مراسم هستند.

تعیین مرزهای محترمانه: واضح و محترمانه در مورد خطوط قرمز خود صحبت کنید و خطوط قرمز دیگران را نیز بپذیرید. مثلاً می‌توان گفت: «من به انتخاب تو برای پوشش، احترام می‌گذارم و انتظار دارم تو هم به انتخاب من برای مصرف نکردن برخی غذاها احترام بگذاری.»

تقسیم مسئولیت‌ها: هنگام برنامه‌ریزی، از اعضای خانواده بخواهید در بخشی که به فرهنگ یا باورشان مربوط است، مسئولیتی را بپذیرند. این کار، احساس تعلق و مشارکت را افزایش می‌دهد.

تأکید بر هدف غایی مراسم: یادآوری کنید که هدف نهایی این گردهمایی‌ها، تجلیل از عشق، خانواده و اشتراکات انسانی است، نه اثبات برتری یک آیین.

تنوع، موهبتی است که می‌تواند دیدگاه‌های ما را گسترده کند، به شرطی که به جای دیوار، پل بسازیم. مدیریت تفاوت‌های آیینی، نیازمند صبر، گوش دادن فعال و تمایل واقعی به درک دیگری است. این فرآیند ممکن است گاهی پیچیده باشد، اما نتیجه آن - خانواده‌ای متحد که در عین تفاوت، یکدیگر را گرمی می‌دارد - ارزش هر تلاشی را دارد. به یاد داشته باشید که گاهی بزرگ‌ترین احترام، نه در انجام یک رسم، بلکه در محترم شمردن احساس کسی است که آن رسم را به‌جا می‌آورد.

آداب زیارت

شناخت امام؛ مهم‌ترین آداب زیارت

احمد عبدالتیان درست است که وقتی نوبت به زیارت می‌رسد، یاد این شعر می‌افتیم که «هیچ آدابی و ترتیبی مجوی / هرچه می‌خواهد دل تنگت بگوی» آن هم زیارت امام رضا (ع) که برای ما به عنوان همسایه ایشان، از زیارت بقیه ائمه (ع) آشناتر است. اما زیارت هرچه کامل‌تر باشد، هم ثواب بیشتری دارد و هم بیشتر به دلمان می‌چسبد.

از مهم‌ترین آدابی که برای زیارت کامل باید مدنظر داشت، توجه به این حدیث شریف است که خود امام رضا (ع) درباره زیارت ائمه (ع) می‌فرمایند: «... مَنْ زَارَ آلِهِمَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذَتْهُ بِيَدِي نَوْمًا لَيْسَ فِيهِ وَأَذْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَأَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَرِ قِيلَ لَهُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ وَمَعَارِفًا حَقَّهَ قَالَ: نَعْلَمُ أَنَّهُ مُفْتَرَضٌ عَلَيْنَا... غَرِيبٌ شَهِيدٌ. مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَغْفَاهُ... عَزَّوَجَلَّ أَحْرَسْنِيْنَ شَهِيدًا بِمَنْ أَسْتَشْفَعُ بِكَ يَوْمَ رَسُولِ...» علی حقیقه، کسی که او [یعنی امامی که زیارت می‌کند] را با شناخت حق و زیارت کند، من روز قیامت از او دستگیری می‌کنم و وارد بهشت می‌شوم، هرچند که مرتکب گناهان کبیره شده باشد. راوی گفت: فدایت شوم، شناخت حق او به چیست؟ فرمود: اینکه بدانی [او امامی است که] پیروی از وی واجب است. او غریب است و شهید، کسی که با شناخت حشش، او را زیارت کند، خدای صاحب عزت و جلال، پاداش هفتاد شهید از شهدای راستین در کتاب رسول خدا (ص) را به او عطا می‌فرماید. (اثبات الهاد، ج ۳، ص ۲۳۳)

تأملی در یکی از مهم‌ترین فرازهای مناجات شعبانیه

می‌شنود، پاسخ می‌دهد، توجه می‌کند

گزارش

حائنه سالم! همه ما تجربه حرف زدن با کسی را داریم که انگار گوش نمی‌دهد. حرف می‌زنیم اما انگار صدایمان به جایی نمی‌رسد؛ شاید به همین دلیل یکی از خواسته‌های عمیق انسان، «شنیده شدن» است. مناجات شعبانیه، دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌کند؛ از خدایی که نه تنها دعا را می‌شنود، بلکه به بنده توجه می‌کند. در فرازی کوتاه اما پر معنا می‌خوانیم: «دعایم را بشنو، ندایم را بشنو و هنگام نجوا، به من اقبال کن!» این جملات، تصویری متفاوت از رابطه انسان و خدا ترسیم می‌کند؛ رابطه‌ای زنده، صمیمانه و دوطرفه که دعا در آن صرفاً بیان حاجت نیست، بلکه شکل‌گیری یک پیوند عمیق و جودی است.



دعا، فقط گفتن نیست، شنیده شدن است

«وَأَسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ»، یعنی «خدایا، دعایم را بشنو!» اما این جمله ساده، یک پیش‌فرض مهم دارد؛ اینکه خدا شنو است. خیلی وقت‌ها ما حرف می‌زنیم، اما مطمئن نیستیم کسی واقعاً گوش می‌دهد. دعا وقتی جان می‌گیرد که انسان باور کند صدایش گم نمی‌شود. در این نگاه، دعا یک تک‌گویی مذهبی نیست؛ گفت‌وگویی است که یک سوی آن، خدایی شنوا ایستاده است. همین باور، دعا را از عادت به تجربه تبدیل می‌کند. انسانی که مطمئن است شنیده می‌شود، راحت‌تر حرف می‌زند. صادق‌تر می‌شود و کم‌کم دعا برایش به پناهگاه تبدیل می‌شود، نه فقط جایی برای خواستن، بلکه جایی برای بودن.

اقبال؛ وقتی شنیدن کافی نیست

درخواست بنده، به شنیدن، ختم نمی‌شود. «وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَّيْتُكَ»، اقبال یعنی رو کردن، توجه کردن، جدی گرفتن. ممکن است کسی صدای ما را بشنود اما نگاهش، جای دیگری باشد. بنده در این فراز، خدایی را خطاب می‌کند که فقط شنونده نیست، بلکه متوجه است. نجوا، سخنی آرام و صمیمی است؛ حرفی که معمولاً با کسی زده می‌شود که به ما نزدیک است. وقتی انسان نجوا می‌کند، انتظارش هم متفاوت است. اینجا دعا وارد مرحله‌ای عمیق‌تر می‌شود، رابطه، خدایی که اقبال می‌کند (توجه)، خدایی است که بنده را در این گفت‌وگو تنها نمی‌گذارد.



رجاء؛ امیدی که انسان را سرپا نگه می‌دارد

در دل این فراز، امید موج می‌زند؛ امید به رحمت بی‌پایان خداوند. کسی که از شنیدن و اقبال سخن می‌گوید، ناامید نیست. «رجاء» یعنی امید و اعتماد به دست‌گیری خدا حتی وقتی که انسان احساس ناتوانی می‌کند. این امید با توبه‌پذیری خدا و توسل به اهل بیت (ع)، تقویت می‌شود. دعا تمرین همین امید است؛ امیدی واقع بینانه، نه ساده‌لوحانه. انسانی که دعا می‌کند، نه خود را طلبکار می‌بیند نه مایوس. او می‌داند که خدا اهل شنیدن است.



ندا؛ صدایی که از دل مضطر بلند می‌شود

مناجات شعبانیه بعد از دعا، از «ندا» سخن می‌گوید: «وَأَسْمِعْ يَدْعَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ»، ندا معمولاً وقتی شکل می‌گیرد که فاصله حس می‌شود؛ وقتی انسان به بن بست می‌رسد. دعا می‌تواند آرام‌بخش باشد اما نداد اغلب با اضطراب و بی‌قراری همراه است. زیبایی این فراز در آن است که خدا را شنونده هر دو معرفی می‌کند؛ هم دعا را آرام، هم فریاد ناآرام. این یعنی خدا فقط مخاطب لحظات معنوی ما نیست، بلکه در لحظات شکست، ترس و درماندگی نیز حضور دارد. حتی وقتی کلمات از نظم می‌افتند، صدایمان هنوز شنیده می‌شود. این نگاه، خدا را به زندگی واقعی انسان نزدیک می‌کند.

مناجات؛ نیاز دائمی انسان

نیاز انسان به مناجات، یک نیاز موقتی نیست؛ نیازی همیشگی است. همان‌طور که بدن به نفس کشیدن نیاز دارد، روح نیز به ارتباط نیازمند است؛ به همین دلیل در سیره پیامبران و ائمه معصوم (ع)، مناجات، حضوری دائمی دارد. دعا فقط برای روزهای سخت نیست، برای سالم ماندن روح است. عبادت بدون مناجات، کم‌کم خشک و بی‌روح می‌شود. دعا جان عبادت است؛ همان چیزی که عمل دینی را زنده نگه می‌دارد. انسانی که اهل مناجات است، خدا را فقط در کتاب‌ها نمی‌شناسد، بلکه در زندگی تجربه می‌کند. این تجربه، ایمان را از دانستن به زیستن تبدیل می‌کند.

ادب مناجات؛ درس بزرگ مناجات شعبانیه

امام خمینی (ره)، مناجات شعبانیه را گنجینه‌ای از معارف و ادب دعا می‌داند: «مناجاتی که در ماه شعبان هست، من در نظر ندارم که در هیچ یک از ادعیه گفته شده باشد که ادعیه مال همه ائمه است. این دعا شعبان، مناجات شعبان، مناجات همه ائمه است و در این، مسائل بسیار هست. معارف بسیار هست و ادب اینکه انسان چه جور باید با خدای تبارک و تعالی مناجات کند، این فراز به ما می‌آموزد که چگونه با خدا سخن بگوییم؛ نه با پر خاش، نه با طلبکاری، بلکه با شناخت جایگاه بنده و رب. مناجات شعبانیه، الگویی برای گفت‌وگو با خداست؛ الگویی که اگر وارد زندگی شود، دعا را از حاشیه به متن می‌آورد و رابطه انسان با خدا را عمیق‌تر و زنده‌تر می‌کند.

خدایی که همین نزدیکی‌هاست!

آثار باور به نزدیک بودن خدا

وقتی باور کنیم که خدا نزدیک است، کمک‌های او، استجابات او، پاداش‌های او، مجازات‌های او و بخشش‌های او را نیز نزدیک می‌بینیم. این تصور صحیح درباره خداوند باعث می‌شود که انسان همیشه خودش را در محضر خدا ببیند و هیچ‌گاه احساس تنهایی و شکست نکند و همیشه در پیش‌روی او آفتی روشن باشد.



برای محمد هادی موسسه و فعال فرهنگی

مصادیق نزدیک بودن خدا به انسان

مختلف، ذکر کرده است. خداوند استجاب دعای بندگانش را نزدیک می‌بیند؛ «وَأَذْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَأَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَرِ قِيلَ لَهُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ وَمَعَارِفًا حَقَّهَ قَالَ: نَعْلَمُ أَنَّهُ مُفْتَرَضٌ عَلَيْنَا... غَرِيبٌ شَهِيدٌ. مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَغْفَاهُ... عَزَّوَجَلَّ أَحْرَسْنِيْنَ شَهِيدًا بِمَنْ أَسْتَشْفَعُ بِكَ يَوْمَ رَسُولِ...» علی حقیقه، کسی که او [یعنی امامی که زیارت می‌کند] را با شناخت حق و زیارت کند، من روز قیامت از او دستگیری می‌کنم و وارد بهشت می‌شوم، هرچند که مرتکب گناهان کبیره شده باشد. راوی گفت: فدایت شوم، شناخت حق او به چیست؟ فرمود: اینکه بدانی [او امامی است که] پیروی از وی واجب است. او غریب است و شهید، کسی که با شناخت حشش، او را زیارت کند، خدای صاحب عزت و جلال، پاداش هفتاد شهید از شهدای راستین در کتاب رسول خدا (ص) را به او عطا می‌فرماید. (اثبات الهاد، ج ۳، ص ۲۳۳)

خدا همین جاست و پیروزی نزدیک است: نَعْمَ يٰ مَن... وَفَتَحَ قَرِيْبٌ. (صف، ۱۳)

خداوند پاداش نیکوکاران را نزدیک می‌داند: «در جامعه، هرج و مرج و فساد نکند و امنیت و آرامش جامعه را به هم نزید تا در دست‌کاران دور نبیند؛ تَوْبُوْا لِلّٰهِ اِنَّ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ، همان جا توبه کند، خدا در نزدیکی اوست؛ توبه‌اش را می‌پذیرد. (هود، ۶۱)؛ اِنَّهُ سَمِيْعٌ قَرِيْبٌ، او نزدیک ماست و صدای ما را می‌شنود. (سبأ، ۵۰)

خداوند، مجازات دشمنان اسلام را نزدیک می‌بیند؛ «دلیل اینکه دشمنان علیه جامعه اسلامی تاخت و تاز می‌کنند، این است که مجازات خدا را دور می‌بینند، اما خداوند می‌فرماید: اِنَّ اَنْذَرْنَاكُمْ غَدَابًا قَرِيْبًا، مجازات من همین نزدیکی‌هاست. (انبأ، ۴۰)

صبح نزدیک است. «آن‌ها به صبح نرسیده، هلاک می‌شوند. اَلَيْسَ الضُّلْعُ بِقَرِيْبٍ، (هود، ۸۱)

تمام این آیات نشان می‌دهد که خداوند به خلاف آنچه ما تصور می‌کنیم، از ما دور نیست. او همین نزدیکی‌هاست. بخشش او، کمک او، پاداش او، استجابات او، مجازات او نزدیک ماست.